

# چند بیت کردی

مقدمه

تعریف بیت<sup>۱</sup> - در زبان کردی « بیت » بمنظومه‌های عامیانه‌ای که توسط اشخاص ده‌نشین و بیسواد سروده شده است اطلاق میشود. این منظومه‌ها غالباً طولانی و مفصل هستند زیرا موضوع آنها اغلب وقایع تاریخی و اتفاقات مهمی است که در محل روی

۱- درمهاباد و حومه این منظومه‌ها را مطلقاً و بدون استثنا « بیت » میگویند و کلمه « چریکه » باین معنی و مفهوم مورد استعمال ندارد بلکه بمعانی زیر بکار میرود :

- ۱- صدای تیز بعضی از پرندگان شکاری (نظیر باز) .
- ۲- صدای تیزی که اطفال درچین خشم و غضب توأم باگریه از حلقوم خارج میکنند .
- ۳- صدای مار و قتیکه مورد فشار و تصادم باشد. رجوع شود به بیت‌سائل آنجا که گوید:  
مار در اثر فشاریکه بار هیزم باو وارد آورده بود چریکه [میکشید] .
- ۴- درد زخم‌ها و درد دندان را نیز مبنیاً چریکه مینامند .
- ۵- دردهای نسبتاً شدید که بطور ناگهان بروز میکند و مانند برق از اعضای بدن میگذرد و معمولاً بعد از اندکی خودبخود برطرف میگردد. اینهم از معانی مجازی کلمه چریکه بشمار میآید .

چنانکه میدانیم در طبیعت اصواتی نظیر خش‌خش (صدای بهم‌خوردن برگ‌ها)، تك‌تك (صدای فرود آمدن قطرات آب-صدای ساعت) وجود دارد، چریکه نیز نامی است برای یکی از انواع همین صوتها و در واقع چریکه نماینده يك صدای خاص (چرچر) میباشد .  
بطور کلی هر نوع صدای تیز و تند و بلند (ولی منقطع و کم‌دوام) که در فاصله دو خاموشی برمیخیزد چریکه نامیده میشود. [۱، ۹۱]

طبق تحقیقاتی که آقای عبیدالله ایوبیان بعمل آورده‌اند در مناطق مختلف کردستان بجای کلمه «بیت» چریکه و [چند واژه دیگر کردی] مورد استعمال دارد برای اطلاع بیشتر رجوع شود بمقاله محققان و جامع ایشان در نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال ۱۳ و ۱۴.

داده است .

**بیت از لحاظ وزن** - این منظومه‌ها از حیث وزن و قافیه با اشعار معمولی اختلاف کَلّی دارند. شاید اگر بگوئیم وزن اینها هجایی است از حقیقت دور نباشد ولی باید دانست که وزن این بیت‌ها طوری است که باید با آواز خوانده شوند و شایسته است این موضوع از نقطه نظر موسیقی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. گویندگان اصلی آنها را با صدای بلند و آواز سروده‌اند، امروز نیز بیت‌خوانها که عموماً آواز خوش دارند آنها را با آواز می‌خوانند، خلاصه درست مانند تصنیف و ترانه‌های معمولی این بیت‌ها با آواز توأم هستند و هیچگاه بدون آواز خوانده نمی‌شوند. گاهی هم ممکن است در بعضی بیت‌ها چند عبارت مشور آمده باشد آنگاه گوینده آواز خود را قطع کرده مانند حرف زدن معمولی ولی با صدای بلندتر آن عبارات را بیان میکند .

**بیت از لحاظ قافیه** - از مطالعه مختصری که این بنده راجع به بیت‌ها بعمل آورده‌ام این نتیجه حاصل شده است که سرایندگان این منظومه‌ها برخلاف شعرا خود را چندان پایند قوافی دقیق نمی‌بینند چنانکه در سه مصراع اول بیت «مند» و «ش» سه کلمه سال و مانگ = ماه و جمعه قافیه شده‌اند البته با جمع بسته شدن بوسیله الف و نون. حتی گاهی در این بیت‌ها مصراع‌هایی دیده میشود که قافیه آنها با مصراع‌های ماقبل یا مابعد کوچکترین شباهتی ندارد، شاید بعلت همین آزادی عمل باشد که بعضی اوقات ناگهان نظم بصورت نثر درمی‌آید سپس بعد از چند سطر مجدداً نظم شروع میشود و عبارات دوباره مقفّی میشوند .

البته هر اندازه گوینده بی بیشتر از استعداد ذاتی و ذوق سلیم و طبع روان برخوردار باشد زیادتر بر الفاظ و کلمات مسلط خواهد بود و در نتیجه قوافی دقیق‌تری بکار خواهد برد .

**بیت از لحاظ لغوی** - واضح است که کلمه بیت در زبان عربی وجود دارد و در اصطلاح شعرا بدو مصراع هر شعر يك بیت گفته میشود. اگر فرضاً بیت مورد بحث

ما مأخوذ از عربی باشد باز چنانکه دیدیم در کردی بکلی معنی و مفهوم خود را از دست میدهد همچنین لازم بتذکر است که در کردی کلمه بند ( بروزن پند ) وجود دارد که از مصدر بستن مشتق است و بمعنی آواز است شاید بتوان گفت بیت در اصل همان بند بوده است و بتدریج بند شکل عربی بخود گرفته و رایج شده است امروز از همین ماده بستن کلمه «ههلا بهست» مصطلاح شده که بمعنی شعر است و بجای آن بکار میرود. ضمناً بند در کردی بمعنی سرما و یخبندان نیز استعمال میشود.

**اهمیت گردآوری بیت‌ها** - از نظر تحقیقات فلکریک زبان کردی و بطور کلی فلکریک ایرانی - بیت را از دو لحاظ میتوان طبیعی ترین شعرها دانست اول از لحاظ طرز پیدایش دوم از لحاظ شکل ظاهر .

**الف - از لحاظ طرز پیدایش** - یکی از علل اصلی پیدایش بیت‌ها بعقیده بنده این بوده که مثلاً واقعه تأثر آوری روی داده است و عموم را متأثر ساخته است در این اثنا گوینده که از دیگران متأثر تر بوده ضمناً طبعی روان و زبانی گشاده و آواز حزین داشته یا بمیدان گذاشته است و تأثرات عموم را با زبان رسای خود توأم با آواز بیان کرده است بقول حافظ شیراز که میگوید: «بر زبان بودم را آنچه ترا دردل بود».

**ب - از لحاظ شکل ظاهر** - در این باره باید گفت که گوینده بیت بزبان عادی مردم سخن میگوید و ترکیب اصلی جمله‌ها را برهم نمی‌زند و کلمات را پس و پیش نمیکند الا اینکه سخنانش توأم با آواز است و نیز مختصری آنها را با محسنات شعری آرایش میدهد .

چنانکه گفتیم چون گوینده زیادمقید برعایت قوانین شعری نیست همین موضوع باو امکان داده است که جزئیات مطالب را با عبارات ساده و رسا و بطور طبیعی مطابق روش معمول زبان بیان کند. از طرف دیگر چون این بیت‌ها در دهات رایج بوده‌اند و گویندگان آنها بعلمت بی‌سوادی تحت تأثیر زبانهای بیگانه نبوده‌اند اصیل ترین کلمات و اصطلاحات زبان را دربر دارند و یکی از شرایط یک اثر خوب همانا بکار

رفتن اصطلاحات و کلمات اصیل در آنست. بسیاری از کلمات که فعلا متروک و یانیمه متروک هستند و یا لااقل طبقه تحصیل کرده شهر نشین از آنها اطلاع ندارند در آن منظومه‌ها یافت میشود.

گاهی گوینده مطالب بسیار باریک و لطیف را با کلمات ساده از روی صفای طبع بیان کرده است شاید این امر برای مردم تحصیل کرده و باسواد مقدور نباشد مگر اینکه متوسل به کلمات بیگانه شوند. پس برای صحیح نوشتن و شناختن کلمات و اصطلاحات زبان و استخراج قواعد دستوری این بیت‌ها بهترین منبع میباشند.

از لحاظ تهیه و تدوین تاریخ محلی که متأسفانه بآن توجه نشده است مطالعه این بیت‌ها اهمیت بسزایی دارد زیرا غالباً بیان کننده وقایع و اتفاقات تاریخی محل هستند و از حکام و امرا و اشخاصی که در گذشته نفوذ محلی داشته‌اند نام میبرند در واقع این بیت‌ها مخلوطی از شعر و تاریخ هستند و یا میتوان آنها را تاریخی دانست که بزبان شعر بیان شده است.

ضمناً بعضی از این منظومه‌ها چون حماسی هستند روح جوانمردی و سلحشوری در خواننده میدمند از طرف دیگر چون غالباً با ستایش خدا و پیغمبر و بزرگان دین شروع و خاتمه می‌یابند.

روح دیانت و اعتقاد بمبدأ را نیز که یگانه راه سعادت افراد است در خواننده تقویت میکنند.

از لحاظ جغرافی و جامعه‌شناسی نیز این منظومه‌ها مفید تواند بود زیرا از کوهها رودخانه‌ها و حیوانات و چگونگی آب و هوا و نباتات مختلف در آنها سخن بمیان آمده است. بیت از لحاظ جامعه‌شناسی آینه تمام‌نمای حیات اجتماعی در گذشته میباشد زیرا اخلاق، عادات و اعتقادات مردمان سلف را بخوبی نمایان میسازد. همچنین در آنها از خیلی مسائل از قبیل جنگ، شکار ورزش، تفریح، جشن، سوگواری و بطور کلی از مراد مردم با همدیگر سخن بمیان می‌آید خلاصه جزئیات زندگی

گذشتگان از هر حیث در آنجا مجسم است .

راجع به شخصیت بیت خوانها باید گفت اینها ذاتاً شاعر بوده اند ولی چون در گذشته علم و فرهنگ رایج نبوده است موفق بدرس خواندن نشده اند استعداد خداداد آنها از راه سرودن این منظومه ها بروز کرده است این اشخاص چنانکه از فحوای کلامشان پیداست که سطح فکر و ادراکشان بالاتر از دیگران بوده است و از معنویت و نرمش و رضایت بیشتری در زندگی برخوردار بوده اند در عین حال بواسطه همین دو صفت نیکو یعنی نرمش و رضایت زندگی را بر خود آسانتر و هموارتر کرده اند این سرایندگان بواسطه آداب دانی و آواز خوش و طبع ملایم و بذاه گویی پیوسته مورد احترام و توجه بزرگان محل بوده اند. چنانکه ذکر شد این بیتها مولود و قایع حقیقی و تاریخی هستند و شاعر محرکی جز همین وقایع نداشته است از این رو میتوان آنها را سخن گوی اکثریت مردم بشمار آورد. در این سرودها زبان شاعر پاکیزه است و از سخنان زشت و تملق آمیز و یا ریاکاری اثری دیده نمیشود از این رو این بیتها در نظر مردم احترام و اهمیت خاصی داشته اند فقط کسیکه واقعاً سزاوار و شایستگی داشته از او ستایش شده است .

این مطلب را نیز باید در اینجا اضافه کنم بیت هائیکه در اختیار اینجانب است شاعر نامی از خود در آنها ذکر نکرده است و همین موضوع دلیل وارستگی شاعر تواند بود .

شعل و پیشه این سرایندگان مانند اکثر مردم کشاورزی بوده است ولی بواسطه تفکر و تعمق بیشتر زیبا تر و ایده آلی تر زندگی کرده اند. آن شخص (محمد برادرزاده عزیز آمان) که من این بیتها را از او شنیده ام او نیز از دیگران شنیده است بجای وادب و کاردانی در ده مشهور است و علاوه بر اینکه خوش آواز است در نواختن نی هم مهارت تام دارد .

وضع کنونی بیتها و بیت خوانها - صرف نظر از بیت های بسیار مشهور از قبیل

«دمدم» و «کهل و شیر» و «خج و سیامه‌ند» شماره بیت‌های نسبتاً گمنام بسیار زیاد است و در هر دهی میتوان لااقل بچندتای آنها دست یافت. از لحاظ فلکریک همه این بیت‌ها باید بدون استثنا جمع آوری شود و در موقع نوشتن نباید در آنها دخل و تصرفی بعمل آورد همانطور که از گوینده شنیده میشود باید یادداشت گردد.

اگر علاوه بر یادداشت کردن صدای گوینده هم ضبط شود آنوقت واقعاً یک کار بسیار دقیق علمی صورت گرفته است.

این بیت‌ها را سابقاً بمنظور تفریح و سرگرمی در مجالس میخوانده‌اند امروز

۱- بیت‌خوانها این بیت‌ها را بطور مجانی و رایگان برای مردم میخوانده‌اند و در مجالس بیت خوانی هرگز پول رد و بدل نمیشده است و گوینده نیز انتظار دریافت وجهی را نداشته. زیرا بیت خوانی حرفه‌یی مخصوص برای کسب درآمد نبوده است. این بیت خوانها در فصل پاییز و زمستان که از کارهای کشاورزی فراغت حاصل میکرده‌اند بمنظور سیاحت و تفریح و دیدن آشنایان و دوستان و آموختن قصه‌ها و بیت‌های تازه و نیز بمنظور ترویج و اشاعه بیت‌هاییکه میدانسته‌اند اقدام بسفر میکرده‌اند. بیت‌خوانها چون بحفظ وصیانت این گنجینه‌های گرانبها علاقه تام داشته‌اند از این رو بارغبت و اشتیاق خاصی این بیت‌ها را برای مردم میخوانده‌اند و از طرف دیگر سعی وافر داشته‌اند که این بیت‌ها را بچوانان با استعداد و تیزهوش مستقیماً یاد بدهند و یاد دادن و یاد گرفتن آنها را مانند یک فریضه مذهبی مقدس و واجب میدانسته‌اند.

(کاک سلطان که دو بیت **سائل و قمبر** را از زبان نامبرده یادداشت کرده‌ام میگفت: این دو بیت را از محمد سعید ملازاده یاد گرفته است و بقول کاک سلطان محمد سعید نامبرده بسیار علاقه‌مند بوده که جماعت (مردم) این بیت‌ها را یاد بگیرند و یاد گرفتن این بیت‌ها را خیر و ثواب میدانسته است. باز کاک سلطان میگفت که خود او نیز چند بار یاد گرفتن این بیت‌ها را بچوانان آبادی توصیه کرده است.)

اشخاص متمکن و علاقه‌مند این بیت‌خوانها را برای چند شبی میهمان میکرده‌اند و شب‌های دراز زمستان را بشنیدن قصه‌ها و بیت‌ها میگذرانیده‌اند آنگاه درحین رفتن اگر چیزی از قبیل آلات کشاورزی و یا جامه و یا وجهی قلیل باینها اهدا میشده با کمال خوشرویی قبول میکرده‌اند.

محل خواندن این بیت‌ها اکثراً دو جا بوده است: ۱- منازل ۲- مساجد.

الف منازل- چنانکه گفتیم اشخاص متمول و علاقه‌مند این بیت‌خوانها را بمنزل دعوت میکرده‌اند و خواننده در آنجا بیت‌ها را میخوانده است و درحین رفتن هدایایی بعنوان تشکر\*

بعلت تغییرات وضع اجتماعی و پیدا شدن رادیو و جراید بازارشان از رواج افتاده است و خطر نابودی شدیداً آنها را تهدید میکند و اگر جمع آوری نشوند چندی نخواهد گذشت که بکلی از دست رفته فراموش میشوند وضع بیت خوانها هم از خود بیتها بهتر نیست بیت خوان حرفه‌بی امروزه خیلی بندرت پیدا میشود.

اهمیت گردآوری آثار فلکریک از نظر ادبیات فارسی - آثار فلکریک سرچشمه

زوال ناپذیر زبان و ادبیات هر قومی محسوب میشود، هر اندازه ادبیات ملتی بر این گونه آثار متکی باشد بنای آن محکمتر خواهد بود. متأسفانه از این حیث در ادبیات بی نظیر فارسی خلایی وجود دارد و تا حال بجمع آوری این گونه آثار علاقه و رغبتی نشان داده نشده است و این آثار و جمع آوری آنها را بی اهمیت تلقی کرده اند. ادبیات فارسی هر اندازه که بسوی ادبیات عرب گرائیده است بهمان نسبت با زبان مردم و ادبیات بومی فاصله گرفته است. بردانشمندان و محققین پوشیده نیست که این

بوجود درانی باو میداده اند. در این مجالس انواع بیتهای تاریخی و عاشقانه و مذهبی خوانده میشده است.

ب- مساجد: بیت خوانها در دهات برای عامه مردم شبهای پاییز و زمستان در مسجد میخوانده اند، در مسجد نیز انواع بیتها خوانده میشده ولی بیتهای مذهبی و تاریخی مقدم بوده است چون بطور کلی این بیتها با مناجات شروع و خاتمه می یابند خواندن آنها در مسجد مانع نداشته است. اما منظومه های عاشقانه که آنها را «حیران» می نامند در منازل اشخاص و یاشبها پشت بام خانه های دهکده توسط جوانان خوانده میشده است. باید اضافه کرد که در دهات صحن مساجد بدو قسمت کاملاً متمایز تقسیم میشود. آن قسمت که محراب در آنجا قرار دارد بعبادت (نماز و دعا) و قسمت دیگر به نشستن اختصاص دارد. در فصل زمستان در آنجا دهقانان می نشینند و به سخنان متفرقه سر گرم میشوند و حتی گاهی در آنجا معامله حیوانات و یا علوفه و گاه و یونجه نیز صورت میگیرد البته حضور آنچه مورد معامله واقع میشود لازم نیست زیرا دهقانان معمولاً بخوبی از هر لحاظ بوضع یکدیگر آشنایی دارند.

باید علاوه کرد که این بیت خوانها بهیچ وجه در بیت خوانی از آلات موسیقی استفاده نمیکردند همچنانکه امروزه نیز اشعار مذهبی بدون استفاده از آلات موسیقی خوانده میشود این بیتها نیز مانند اشعار مذهبی جنبه تقدس داشته اند.

فاصله و خلا را باید با گردآوری این گونه آثار پر کرد و از میان برد بدینوسیله پیوند ادبیات فارسی را با ادبیات عامیانه مستحکمتر ساخت از این لحاظ جمع آوری اینگونه آثار گرانبهای ملی خدمت بزرگی با ادبیات فارسی محسوب میشود از طرفی دیگر چون در اینگونه آثار قهراً مقداری از لغات قدیمی بیادگار مانده است لذا گردآوری و بررسی آنها ممکن است برای محققینی که در ادبیات قبل از اسلام مطالعه و تحقیق میکنند سودمند و مفید واقع شود.

**روش ما در گردآوری بیت‌هاییکه در نشریه بچاپ میرسد - در اینجا باید پس از** سپاسگزاری از اداره نشریه دانشکده ادبیات تبریز در طبع و نشر اینگونه آثار بعرض خوانندگان دانشمند نشریه برسانم که دو بیت را یکی بنام «سائل» و دیگری بنام «قبر» از سلطان نام خادم مسجد دهکده قز لجه علیا از توابع مهاباد شنیده‌ام. بقیه بیتها را از زبان محمد برادرزاده عزیز آمان که او نیز ساکن دهکده مزبور است نوشته‌ام. هنگام شب که دهکده در سکوت و آرامش خاصی فرو میرفت آنها را با خواهش و تمنا برای گفتن این بیتها دعوت میکردم آنها گرچه بعلت کارهای سنگین روزانه خسته بودند و احتیاج باستراحت داشتند معذک دعوت مرا با خوش رویی مورد قبول قرار داده بخواندن بیتها میپرداختند. هرچه از زبان گوینده شنیده‌ام بدون دخل و تصرف بر صفحه کاغذ آورده‌ام جایی که فهمش مشکل بوده از گوینده پرسیده یادداشت نموده‌ام آنگاه خواهش کرده‌ام بیتها را یکبار دیگر بخواند تا با نوشته تطبیق دهم یا من نوشته را برای او خوانده‌ام و اگر سهو و اشتباهی بوده است باتذکر او اصلاح کرده‌ام بعداً بدون تأخیر بقرائت و پاک‌نویسی آنها اقدام کرده‌ام البته این دو نفر کارشان صرفاً بیت‌خوانی نیست بنا بر این تعداد بیت‌هاییکه میدانند خیلی کم است.

این بیت‌خوانها هم از نام و نشان گویندگان اصلی بیتها باخبر نبودند فقط محمد بیت «ما کو و چهرداری» را به علی بهرده‌شانی منسوب میکرد. علی بهرده‌شانی مشهور و معروف خاص و عام است.



همچنانکه عوام بعلمت علاقه‌ی بی که نسبت به بزرگان دارند در باره آنها افسانه‌سازی میکنند در پیرامون این شخص هم افسانه ساخته گویند: اجنه‌ها در عروسی از این شخص دعوت میکردند و او را با خود میبردند و از انظار ناپدید میکردند. بهر حال این شخص قدرت عجیبی در سرودن بیت داشته گویند معاصر **آرجمان پادشاه** بابان بوده است از میان گویندگان مختلف منحصرأ او شهرت و معروفیت یافته است.

در خاتمه مجدداً یادآور میشود اگر این بیت‌ها هر چه زودتر جمع آوری نشوند این گنجینه‌های گرانبها در معرض خطر نابودی و فراموشی قرار دارند.

\*\*\*

بیت‌هایی که قرار است با راهنمائیهای دانشمندان استاد معظم **جناب آقای دکتر مرتضوی** در نشریهٔ وزین دانشکدهٔ ادبیات تبریز بعد از مطالعه و بررسی‌های کامل بچاپ برسد بقرار زیر است:

- ۱- بیت شیخ‌مند و شیخ‌رش .
- ۲- « ما کو وچرداری .
- ۳- « حمزه آقا منگور .
- ۴- « سید ابراهیم .
- ۵- « قبر .
- ۶- « سائل .
- ۷- « محمد حنیفه .
- ۸- « دمدم .

بهیتی شیخ مهند و شیخ زهشی = بیت شیخ مند و شیخ رش

متن کردی	ترجمه فارسی
سالیکی له سالانه	سالی از سالها
مانگیکی له مانگانه	ماهی از ماهها
جو معینکی له جو معانه	جمعه‌یی از جمعه‌ها
شیخ جافر <sup>۱</sup> ده بیاتن سی میوانه.	شیخ جعفر را سه‌مهمان می‌آمد .
ده یفهرمو: نهی مهنده، نهی مهنده گیانه	میفرموده: منده، ای منده جان
ده یفهرمو: نهی مهندهی ده خاسه	میفرمود: ای منده خاص
وه ره نهوسی میوانانهم بو بناسه .	یا این سه‌مهمانها را بمن بشناسان .
نهی مهندهی ده نورانه	ای منده نورانی
وه ره بو بناسه نهوسی میوانانه .	یا این سه‌مهمانها را برایم بشناس .
له <sup>۲</sup> بهرمهندهی ده خاسه	آفرین بر منده خاص
ده یفهرمو: نهوه <sup>۴</sup> یه کیان همزه یه	میفرمود: یکی از آنها حمزه است
نهوی دیبان <sup>۵</sup> خالنده	آن دیگر از ایشان خالد است
سیومیان هه باسه .	سومی از آنها عباس است .
نهی زوله نهی مهنده گیانه	ای فرزند، ای منده جان
وه ره لییان وه رگه نهوسی بورانده <sup>۶</sup> .	یا این سه‌بور را از ایشان بگیر .

۱- جافر: جعفر .

۲- مهنده: اسم خاص است و مهند آبی را گویند که بکندی حرکت کند و نیز بمعنی سنگین و باوقار استعمال میشود .

۳- له بهر: از برای، بخاطر در اینجا از اداة تحسین است .

۴- نهوه: این، از این قرار است، شأن اینست .

۵- خالنده: خالد .

۶- بؤر: رنگ سفیدی است که مایل به تیرگی و کدورت باشد. در اینجا مقصود

اسب‌های مهمانان است که بآن رنگ بوده‌اند .

وه از بور (اسب) مهمان [ها] !  
منده جان هر سه آنها بسیار گرسنه اند.

آفرین بر منده نورانی !  
ریسمان وداس را بر میداشت  
بمرغزار بی صاحب بی سرپرست روی  
میکرد .

بحکم خالق جبار  
تمام گیاهان نوبهاری  
همه آنها تسبیحی در دهان  
خالق جبار را ذکر میکنند .  
آه که منده نورانی  
بادست خالی می آمد .  
(میگفت) تمام گیاهان نوبهاری  
همه خالق جبار را ذکر میکنند

له بهر بوری ده میوانیه<sup>۱</sup> !  
منده گیان هه رسی کیان زوریان  
برسیه .

له بهر منده ی ده نورانیه!  
دهستی ده داوه گوریسی ده گهل داسیه  
روی ده کرده وه میئر گوئی بی-  
ساحی بی سهر به تالییه<sup>۲</sup> .

به حو کمی خاله قی جه بیاریه  
ئه وه ندی گیای هه وه ل بوهار ی  
هه مو ته سحی بیکیان ده زاری<sup>۳</sup> دا  
ده که نه وه زیگری خاله قی جه بیاری .  
ئه ی<sup>۴</sup> له بهر منده ی ده نورانیه .  
ده هاته وه به دهستی خالییه .

ئه وه ندی گیای هه وه ل بوهار یه  
هه موده که نه وه زیگری خاله قی  
جه بیاریه

۱- ترجمه تحت اللفظی عبارت اینست: «برای بور مهمان» حاصل معنی عبارت کردی تعریف و توصیف اسب بور مهمان است یعنی به به اسب بور مهمان چه اسب خوب و یا قشنگی است لفظ «له بهر» در اینجا بعنوان اداة تحسین استعمال شده است و نگارنده در چند مورد باین موضوع اشاره کرده است . ضمناً اضافه مینماید گاهی همین لفظ برای اظهار تأسف و انزجار و تقبیح بکار میرود .

۲- به تال: باطل، تبهی . سهر به تال = بی سرپرست، بی صاحب .

۳- گویا منظور قطرات شبنم است .

۴- ئه ی + له بهر: «له بهر» گفتیم از اصوات است و در اینجا برای اظهار تأسف بکار رفته

است . میگوید افسوس که «منده» بادست خالی بر میگردد .

قمت جیگای هیچ خالی نییه .  
 پای مه نده مه نده ی ده نورانییه  
 هدلگره سینگ<sup>۱</sup> ئهوان بۆرانییه  
 ئهوه شیخ مه ند هه مو جیگایه کی  
 به بۆران ده پشکنیه .  
 بۆری میوانی ده هیناوه به برسیا  
 -یه تیه .

شیخ جافر ده یفه رمو ئه تو چ  
 کوریکی ؟  
 ئه من نهم دیوه دو پادشای گه وره له  
 سه ر تهختیکی  
 نهم دی دو شیخی به قهوه ت له سه ر  
 به رمائیکی  
 نهم دی دو شیر ی عه جایب له لائیکی  
 ئه تو کانی به ئه من جومه<sup>۲</sup>  
 ئه تو دا بنیشه ئه من ده رومه .  
 ئه وه شیخ مه ند ده یفه رمو  
 ئه من سینم چارده یه گه بیستمه پازده ی

هر گز هیچ جایی خالی نیست .  
 [ پدر میگفت ] ای منده ، منده نورانی  
 میخ این بورها را بردار  
 شیخ مند همه جا را با بورها جستجو  
 میکرد .  
 بور مهمان را گرسنه باز می آورد .

شیخ جعفر میفرمود : تو چه پسری  
 هستی ؟  
 من دو پادشاه بزرگ را بریک تخت  
 ندیده ام  
 دو شیخ نیرومند را بریک سجاده  
 ندیدم  
 دو شیر عجیب را دریک لانه ندیدم .  
 تو چشمه باش من جویبارم  
 تو بنشین من میروم .  
 شیخ مند میفرمود :  
 من ستم چهارده است پانزده رسیدم

۱- سینگ: سینه، در اینجا بمعنی میخ چوبی است و نیز مجازاً در اصطلاح کشاورزان بزمین های برجسته مزرعه اطلاق میشود .

۲- کانی: بمعنی چشمه است، و ظاهراً همان کلمه کان است که در فارسی بمعنی معدن می باشد. حاصل معنی عبارت اینست که «منده» پدرش میگوید تو اصل باش و من قرعم و چون همیشه فرع تابع اصل است پس ای پدر من تابع و تسلیم و محکوم تو هستم و در برابر تو مطیع و عقب میروم و میدان خالی میکنم . نگارنده این عبارت و یا نظیر آنرا در محاورات معمولی نشنیده است .

از (ابتدای) زمانهای پیشین  
همیشه پسر(ان) از پیش پدران میرفتند  
هیچگاه پدران از پیش پسران نمیرفتند  
پدرجان تو چشمه باش من جویبارم  
پس تو بنشین من میروم.

آه مندهٔ پاک و تمیز

از پدرش شیخ جعفر قهر میکرد

برای همیشه از پدر خدا حافظی  
میخواست

دریغا مندهٔ جوان

از حجره فقیمان خدا حافظی میخواست.

شیخ جعفر میگوید مادرمندرا برایم  
بیارید

با [اسب‌های] کهر او را فرار دهید  
(به پسر م برسانید)

هدرله زهمانی پیشینانه  
هر کوز ده زوین له بهر بابانه<sup>۱</sup>  
قوت باب نده زوین له بهر کوزانه  
بابه گیان نه تو کانی بهو نه من جوومه  
جابابه نه تو دا بنیشه و نه من ده رومه.

له بهر مه ندهی پاک و ته میزه

نهوه له شیخ جافری بابی ده بووه  
زیزه

به بهک جاری له بابی ده خواست خودا  
حافیزه

له بهر مه ندهی ده جوانه

خودا حافیزی ده خواست له حوجره ی  
فه قتیانه<sup>۲</sup>.

شیخ جافر ده لئی: دایکی مه ندیم  
بو بئین

ویژای<sup>۳</sup> کوتان<sup>۴</sup> بی فزین

۱- همیشه پسران از پیش پدران میرفتند، حاصل معنی عبارت اینست که «منه» پدرش میگوید؛ چون همیشه در موقع بروز اختلاف بین پدر و پسر، پسر مجبور بترك خانه پدری بوده بنابراین من هم خانه ترا ترك میکنم و میروم و تو ای پدر مجبور بر رفتن و ترك خانه و کاشانه خودت نیستی.

۲- از قدیم الایام در بعضی از دهات کردستان مدارس معتبر دینی دایر بوده است از قبیل «دارالعلم ترجان» که مشهور است.

۳- وژرا: هم راه، با هم.

۴- کوت: اسب سرخ رنگ. «واو» در این کلمه درست صدای EU را در فرانسه میدهد.

(بوسیله) او شیخ مندراباز گردانید.  
مادر مند را برایم صدا کنید  
همراه (اسبهای) کهر او را راه  
ببندازید

[بوسیله] او شیخ مند را آشتی دهید.  
مادر مند را برایش آوردند  
مادر مند میگفت: نمیکنم ای فرزند  
نمیکنم

اگر از این سفر برنگردی  
از شیر این پستانها آزادت نمیکنم.  
شیخ مند میگفت: ای مادر اگر مرا  
آزاد نکنی

سر ترا آشکار میکنم.  
مادرش میفرمود آن بدی که من  
کرده ام .

اگر آشکارش نکنی به تیر شیخ رش  
گرفتارت کنم .

گویند مادر تو دختری بودی میان  
دختران

پدرم فقیهی بود میان فقیهان

(بقیه دارد)

شیخ مهندی پی بگه زینن .  
دایکی مهندیم بو بانگ کهن  
ویزای کوتان به زئی کهن

شیخ مهندی پی آشتهوه کهن .  
دایکی مهندیان بو هینا  
دایکی مهندی ده یکوت نا کهم روله  
نا کهم<sup>۱</sup>

ئه گهر لهو سه فهره ی نه گه زیهوه  
له شیر ی ئه وه مه مکانه آزادت نا کهم.  
شیخ مهنده ده یکوت دایه ئه گهر  
آزادم نه که ی

سو زری تو آشکرا ده کهم .  
ئه وه دایکی ده یه رمو ئه و خرا پی  
ئه من کردومه

ئه گهر آشکرای نه که ی به تیری  
شیخ زه شیته وه کهم .

ده لئی دایه ئه تو کیریک بوی  
له نیو کیرانه

با بم فه قیه ک بوله نیو فه قیانه

۱- نا کهم: نمیکنم. مقصود اینست که ای فرزند اگر بجای تو باشم این کار را نمیکنم.